

لزوم پیگیری مستمر شروط و الزامات رهبر انقلاب در تفاهم نامه

دکتر سعید جلیلی نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی در جمع دانشجویان حاضر در طرح ولایت اظهار داشت: اگر تحولات یک ماه و ۴۰ روز گذشته، از جمله موضوع تنگه هرمز، فرصت‌هایی را پیش روی کشور قرار داده است، باید از این فرصت‌ها به شکل حداکثری استفاده کرد. وی افزود: پس از امضای تفاهم نامه و در شرایط جدیدی که شکل گرفته است، نقش دانشجویان تنها به اظهار نظر و تحلیل محدود نمی‌شود؛ بلکه دانشگاه و دانشجو می‌توانند با نظارت دقیق، مطالبه‌گری و پیگیری مستمر، بر اجرای شروط و الزامات مورد تأکید رهبر معظم انقلاب نظارت کنند.

۳



چین هراسی به نفع آمریکا

اظهارات اخیر حسین مرعشی درباره روابط ایران و چین، بیش از آنکه یک تحلیل مبتنی بر واقعیت‌ها باشد، تکرار همان روایتی است که جریان غرب‌گرا برای بی‌اعتبار کردن سیاست نگاه به شرق دنبال می‌کند. < ۷



رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس؛

جلسات مجازی مجلس تشریفاتی است

۲

رئیس ساترا در واکنش به سخنان وزیر ارشاد؛

در حوزه صوت و تصویر، از سوی ارشاد ترک فعل رخ داد

۸



دشمن را نشانه بگیرید؛ خیابان را رها کنید

محمدامین باقری کنی

باب بدی باز شده است که برخی اساتید، دوستان و همکاران، با بهانه و بی بهانه به مردم مبعوث می‌تازند و بعضاً خطای یکی را در یک گوشه‌ای، در تربیون ملی، برای همه فاکتور می‌کنند. از سویی چوب وحدت را در دست گرفته و دائم بر سر مردم مبعوث و چند تکه مقوای منقش به شعارشان می‌کوبند و از سوی دیگر علی‌الدوام دو قطبی‌ها و دوگان‌های سیاسی خود را به مردم در خیابان نسبت می‌دهند. عده‌ای از ایشان هم که روبه ازدیادند، عادت به جمله‌سازی پیدا کرده و بلیغ سخن گفتن را به سجع و جناس در کلامشان محدود کرده‌اند.

متن کامل در صفحه ۲

صفحه ۳

سیاسی

فراتر از خطای محاسباتی

در شرایطی که آمریکا جنگی تمام عیار را در قبال کشورمان در پیش گرفته و با تأکید بر بی‌ارزش بودن "تکه کاغذ تفاهم نامه"، هر روز محدودیت‌های اقتصادی جدیدی را علیه ایران پیاده می‌کند، مقامات کشورمان همچنان به دفاع از تفاهم نامه مشغولند.

صفحه ۵

اقتصادی

روایت متفاوت از مدیریت مصرف سوخت در کرمان

در اظهار نظرهای مقامات دولت چهاردهم از مسعود پزشکیان رئیس دولت گرفته تا اسماعیل سقاب اصفهانی معاون وی راه حل و برنامه‌ای برای رفع ناترازی بنزین ارائه نشد.

مجمع نمایندگان ملت مبعوث با حضور ۱۲۳ نفر از نمایندگان با هدف پیگیری مطالبات رهبر انقلاب و بازگشایی صحن علنی مجلس تشکیل شد

صدای ملت مبعوث

حجت الاسلام قاسم روانبخش، نماینده قم و از اعضای شورای مرکزی مجمع نمایندگان ملت مبعوث در گفتگو با نوبنیاد با اشاره به این نکته که هدف اصلی تشکیل این مجمع پیگیری جدی مطالبات رهبر انقلاب

و رهبر شهید است، تأکید کرد که اصلاح برنامه هفتم توسعه، مقابله با گرانی‌ها، انتقام خون امام شهید و بازگشایی صحن علنی مجلس با رعایت ملاحظات امنیتی از اولویت‌های اصلی این مجمع است.



با بهره‌گیری از بیانیه گام دوم به عنوان وصیتنامه تفصیلی رهبر شهید انقلاب به مسئولان و مردم عزیز ایران اسلامی از مسیر اجرای دقیق کامل آیین نامه داخلی بدون برخورد سلیقه‌ای و پیگیری تشکیل حضوری صحن علنی با رعایت ملاحظات امنیتی و حفاظتی.

۴- تقویت شاخصه‌های مقاومت در برابر نظام سلطه و سازشکاران داخلی و نیز حمایت قانونی و عملی از همه عناصر محور مقاومت در برابر دشمن آمریکایی. صهیونی و صیانت از دستاوردهای بی بدیل مقاومت امت اسلامی در برابر دشمنان از جمله حفظ حاکمیت راهبردی ایران بر تنگه هرمز.

۵- تحقق پیگیری پیام علی‌الاصول رهبر انقلاب، به ویژه مطالبه شروط ایشان و تعهدات مسئولان ذیربط برای مطالبه حقوق ملت ایران از آمریکای مستاصل و جنایتکار به ویژه دریافت غرامت تک تک خسارت‌ها و شهدا و جانبازان.

۶- ایجاد تعامل موثر با مردم مبعوث شده جهت پیگیری تحقق مطالبات آنها از جمله خونخواهی امام شهید و قصاص و انتقام از آمرین و عاملین شهادت ایشان و سایر شهدای دو جنگ تمیمی دوم و سوم تاکنون و نیز پیگیری تحقق اصول و ارزشهای انقلاب اسلامی در سلامت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جامعه و ترویج سبک زندگی ایرانی. اسلامی با هدف تکمیل بنیان خانواده به ویژه در حوزه عفاف و حجاب و مبارزه مستمر با فساد و مفسدین اقتصادی.

۷- تعامل موثر و کمک کننده با دولت و سایر ارکان و نهاد‌های خدمت‌رسان به مردم به منظور ارتقای عملکرد آنها.

پیدا کند.

وی همچنین افزود: با توجه به مطالبات رهبر انقلاب و خواسته‌های ملت مبعوث، اولویت بندی کردیم تا موضوعات اصلاح برنامه هفتم و گرانی‌ها... پیگیری و راهکارهایی اندیشیده شود تا به شکل طرح یا لایحه در دستورکار مجلس قرار گیرد.

نماینده مردم قم درباره اهمیت تأثیرگذاری این مجمع اظهار داشت که فرق می‌کند که یک طرحی را ۱۲۰ نماینده امضا کنند یا ۱۰ نماینده.

حجت الاسلام روانبخش تأکید کرد که انتقام خون امام شهید و پیگیری بازگشایی صحن علنی با رعایت ملاحظات امنیتی از مهم‌ترین اولویت‌های این مجمع است. وی همچنین تصریح داشت که هیأت اجرایی این مجمع از شورای مرکزی انتخاب و از هفته آینده شروع به کار خواهد کرد.

به گفته روانبخش، اصول کلی حاکم بر مجمع نمایندگان ملت مبعوث به شرح زیر است:

۱- تلاش موثر برای حرکت در مسیر امام راحل (ره) و امام شهید (قدس سره) و تحقق پیام‌های رهبر معظم انقلاب امام سید مجتبی حسینی خامنه‌ای به ویژه نخستین پیام معظم له به اجلاس سوم مجلس دوازدهم و سیاست‌های کلی ابلاغی.

۲- رعایت نعمت عظیم وحدت ملی و انسجام بی بدیل ارزانی شده به ملت جان‌فدا و مبعوث شده، حول محور ولایت مطلقه فقیه و ذیل پرچم مقدس جمهوری اسلامی ایران.

۳- برنامه ریزی و اقدام برای تحقق مجلس قوی، کارآمد و انقلابی و صیانت از جایگاه رفیع مجلس شورای اسلامی با تسریع و تعمیق در امر قانونگذاری و نظارت

امیرحسین درکی
روزنامه نگار

اسامی اعضای شورای مرکزی مجمع

قابل ذکر است که اسامی اعضای شورای مرکزی این مجمع به ترتیب حروف الفبا بدین شرح است: (نادرقلی ابراهیمی؛ روح‌اله ایزدخواه؛ احمد آریائی‌نژاد؛ حجت الاسلام مرتضی آقاظهرانی؛ امیرحسین بانکی‌پور؛ رسول بخشی‌دستجردی؛ حجت الاسلام نصرالله پژمان‌فر؛ رضا تقی‌پور انوری؛ حسینعلی حاجی‌دلیگانی؛ علی خضریان؛ حجت الاسلام مجتبی ذوالنوری؛ احمد راستینه هفشجانی؛ حجت الاسلام قاسم روان بخش؛ حجت الاسلام علیرضا سلیمی؛ مالک شریعتی‌نیاسر؛ مصطفی طاهری؛ میثم ظهوریان؛ عباس گودرزی؛ زهره سادات لاجوردی؛ روح‌اله متفکرآزاد؛ فاطمه محمدبیگی؛ سیدمرتضی محمودی؛ علی اصغر نخعی‌راد؛ حجت الاسلام محمدتقی نقدعلی؛ حامد یزدیان.)

خبر کوتاه

سرلشکر رضایی: راهبرد جدید ایران بنیان‌تان را در هم خواهد شکست

دبیر شورای عالی امنیت ملی در پیام رسان ایکس نوشت: با این دست و پا زدن‌ها، نه تنها از قعر چمنی که برای خود ساخته‌اید بیرون نخواهید آمد، بلکه به زودی خواهید دید راهبرد جدید ایران در میدان جنگ، دیپلماسی و مقابله با محاصره اقتصادی، بنیان‌تان را درهم خواهد شکست.

رسایی: موشک‌های آمریکایی با دعوت پزشک‌های به عروسی سیریک آمدند

نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس در واکنش به حملات اخیر ارتش تروریستی آمریکا به خاک کشورمان خطاب به پزشک‌های کاربری خود نوشت: آقای پزشک‌های موشک‌های آمریکایی با کارت دعوت شما به عروسی سیریک رفتند و جشن مردم را خونین کردند. وقتی در گفتگوهای تلویزیونی اظهار عجز و ناتوانی می‌کردید، وقتی به خاطر کنار الهام علی‌افا بودن که رفیق و همدست رژیم صهیونیستی است، ذوق زده بودید، وقتی در اجلاس شانگهای التماس می‌کردید که اگر آمریکا به تفاهم‌نامه برگردد ما هم برمی‌گردیم! شما آمریکایی‌ها به خاطر وجود شما در عذاب بودند! کاش متوجه می‌شدید.

محمودی: امارات را «بزینید»!

نماینده مردم تهران در مجلس در واکنش به تجاوز اخیر ارتش تروریستی آمریکا به کشورمان در حساب کاربری خود نوشت: حملات آمریکا، واکنش خشمگینانه ترامپ به بسته بودن تنگه هرمز است. حالا او باید خشم ما را در قبال محاصره دریایی ببیند. واکنش ما هم می‌تواند، حمله به امارات باشد. امارات شاه کلید اخراج آمریکایی هاست. بزیندش...

یادداشت

دشمن را نشان بگیرد!

خیابان را رها کنید

محمدامین باقری کنی

باب بدی باز شده است که برخی اساتید، دوستان و همکاران، با بهانه و بی بهانه به مردم مبعوث می‌تازند و بعضاً خطای یکی را در یک گوشه‌ای، در تریبون ملی، برای همه فاکتور می‌کنند. از سویی چوب وحدت را در دست گرفته و دائم بر سر مردم مبعوث و چند تنه مقوای منش به شعارشان می‌کوبند و از سوی دیگر علی‌الدوام دو قطبی‌ها و دوگان‌های سیاسی خود را به مردم در خیابان نسبت می‌دهند. عده‌ای از ایشان هم که رو به ازدیادند، عادت به جمله سازی پیدا کرده و بلیغ سخن گفتن را به سجع و جناس و عمل ایشان را محدود کرده‌اند. خلاصه آنکه یک کاره ایستاده‌اند تا به اجتماعات شبانه پایان دهند و به زعم خودشان فشار را از روی دوش زعمای سیاسی خود برداشته یا نگرانی شخصی خود را رفع کنند.

سوال اساسی اینجااست که اصولاً در شش ماه گذشته رهبری معظم، پایگاهی جز این مردم مبعوث داشته‌اند که بی وقفه و بی ادعای امیرایشان ایستاده و ایشان نیز پیوسته و مکرر حضور و آگاهی و عمل ایشان را تحسین کنند و استقامت در میدان و خیابان را از آنها بخواهند؟

اینها به کنار، حتماً این اعظم از نقشه و توطئه خطرناک دشمن در تکرار کودتای دی ماه ۱۴۰۴ و بدتر از آن بی خبر نیستند. این همه اصرار بر تخطئه و تضعیف و تعطیل خیابان، چیزی جز هدف و آرزوی دشمنان است؟ در این میان، اگر زنگی مستنی به خیابان تهاجم کرد، باید محکمتر از آن دفاع کرد یا با نگرانی با فرود و سقوط جمله سازی کرد؟ جملات دیشب و امروز رییس جمهور و وزیر خزانه‌داری رژیم تروریستی و جنایتکار آمریکا را بخوانید. آنها رسماً دارند برای شورش و آشوب دعوت می‌کنند. خلاصه آنکه رفقا! دشمن را نشانه بگیرید و دست از سر مردم مبعوث بردارید.

بماند که در بحث وحدت و انسجام ملی، این ادبیات و جملات چگونه باید تفسیر و تحلیل شود؟ علم.

بهارستان

آقاتهرانی: جلسات مجازی مجلس تشریفاتی است

روز گذشته حجت الاسلام والمسلمین آقاتهرانی رئیس کمیسیون فرهنگی در نطق میان دستور خود در جلسه مجازی مجلس درباره مسئله وحدت اظهار داشت: ارزشیابی وحدت باید با اصولی تنظیم شود که محوریت آن ولایت باشد و مدار آن با ولایت بسته شود، نه به این معنا که هر چه گفته شد بدون تحلیل پذیرفته شود این نفاق است، بلکه باید با ولایت‌مداری گره بخورد. وی همچنین در ادامه به تعطیلی صحن مجلس اشاره کرد و گفت: در دوران کرونا هم مجلس را تعطیل نکردیم، اما متأسفانه حدود پنج ماه صحن مجلس تعطیل شده و به شکل و بیناری اداره شده است که پاسخگو نیست و مشکلات خاص خود را دارد، بنده با تک‌تک اعضای هیئت‌رئیس صحبت کرده‌ام، البته با آقای رئیس هنوز صحبت نکرده‌ام؛ اما جناب آقای رئیس، واقعاً مجلس را راه ببندارید مردم صحن مجلس را می‌بینند وقتی ما حضور نداریم و می‌پرسند چرا باید به ما رأی بدهند؟ وقتی مجلس تعطیل است، می‌گویند بود و نبودن به چه دردی می‌خورد؟ این وضعیت، تشریفاتی است. از دوستان به ویژه جناب آقای قالیباف تقاضا دارم در مجلس را فعال کنند؛ قانون مجلس هرگز صفر و صد نیست که یا کاملاً تعطیل و یا کاملاً امن باشد.



لزوم پیگیری مستمر شروط و الزامات رهبر انقلاب در تفاهم‌نامه



دکتر سعید جلیلی نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی در جمع دانشجویان حاضر در طرح ولایت اظهار داشت: اگر تحولات یک ماه و ۴۰ روز گذشته، از جمله موضوع تنگه هرمز، فرصت‌هایی را پیش روی کشور قرار داده است، باید از این فرصت‌ها به شکل حداکثری استفاده کرد. وی افزود: پس از امضای تفاهم‌نامه و در شرایط

جدیدی که شکل گرفته است، نقش دانشجویان تنها به اظهار نظر و تحلیل محدود نمی‌شود؛ بلکه دانشگاه و دانشجو می‌توانند با نظارت دقیق، مطالبه‌گری و پیگیری مستمر، بر اجرای شروط و الزامات مورد تأکید رهبر معظم انقلاب نظارت کنند. نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی در ادامه تصریح کرد: پس از شکست عملیات نظامی دشمن، حالا صحبت از طرد اقتصادی ایران می‌کنند این یعنی دشمن مستاصل، آخرین تلاش‌های خود پس از شکست را انجام می‌دهد. البته این تهدیدات در حالی مطرح می‌شود که سال ۹۷ نیز رئیس‌جمهوری حاکم بر رژیم آمریکا با شعار فشار حداکثری به دنبال صفر کردن فروش نفت ایران بود و حتی در دولت بایدن امتداد پیدا کرد اما به شکست انجامید. به گفته جلیلی، کشوری با ۱۵ همسایه، منابع عظیم طبیعی، معادن،

جنگل‌ها و دریا و مهم‌تر از همه، نسلی جوان، با انگیزه، تحصیل کرده و توانمند، ظرفیت‌های اقتصادی بزرگی برای ساختن دارد؛ با همان جوانانی که توانمندی خود را در سخت‌ترین شرایط، حتی در عرصه نظامی، به اثبات رسانده‌اند. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام تصریح داشت: موفقیت و پیروزی‌ای که با ناکامی و شکست دشمن در جنگ نظامی به دست آمد، باید در عرصه اقتصاد هم به یک حرکت بزرگ تبدیل شود.

وی در بخش دیگری از سخنانش با بیان اینکه کودتای دی‌ماه مقدمه جنگ بود، گفت: آتش زدن هم‌زمان صدها مسجد و قرآن، صرفاً یک اقدام پراکنده نیست؛ نشانه‌ای از یک طراحی بزرگ‌تر برای ضربه زدن به پشتوانه اجتماعی و اعتقادی مردم است. به گفته جلیلی، اگر دشمن در حال چیدن مقدمات درگیری و ایجاد فضای آشوب و جنگ است، پاسخ آن عقب‌نشینی به بهانه دوری از تله تنش نیست بلکه پاسخ، حفظ آمادگی، هوشیاری و حضور مردم در صحنه است.

افتخار دوباره قالیباف به تفاهم‌نامه و تلاش پزشک‌های برای بازگشت آمریکا به آن در حالی که ترامپ تفاهم‌نامه را یک تکه کاغذ بی‌ارزش خواند چه معنایی دارد؟

فراتر از خطای محاسباتی

مناسبات ایران و آمریکا در موضوع تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و نوع اظهارنظرهای مقامات دو طرف درباره آن، نوعی ناترازی سیاسی و محاسباتی را نشان می‌دهد. در شرایطی که آمریکا جنگی تمام‌عیار را در قبال کشورمان در پیش گرفته و با تأکید بر بی‌ارزش بودن "تکه کاغذ تفاهم‌نامه"، هر روز محدودیت‌های اقتصادی جدیدی را علیه ایران پیاده می‌کند، مقامات کشورمان همچنان به دفاع از تفاهم‌نامه مشغولند و تلاش دارند تا آمریکا را به اجرای بندهای به تعبیر معاون وزیر خارجه، متلاشی‌شده آن برگردانند.

جعفر کاظمی
روزنامه‌نگار

مهم است که اجرائش هم مهم است، ولی بدانیم اگر این سند امضا نشود، اصلاً راهی برای اجرائش نیست. قالیباف همچنین گفته است: امروز هم حتماً آنها را وادار می‌کنیم که خواسته‌های به حق مردم ما را بپذیرند. این را با قدرت منطق که در این تفاهم‌نامه هست یا با قدرت، این منطق را بر آنها تحمیل می‌کنیم.

اما نکته قابل‌تأمل در سخنان قالیباف، افتخار او به اجرای ناقص و چند روزه تفاهم‌نامه است. رئیس‌مجلس گفته است: شما دیدید در همین چند هفته‌ای که این تفاهم‌نامه اجرا شد و کار شروع شد، آنها تحت فشار قرار گرفتند. بخشی از تعهدات که انجام شد، محاصره دریایی برداشته شد و این یک فرصت بود. یا در شرایطی که در لبنان در شرایط سخت بودیم، آتش بس آنجا برقرار شد و پایدار شد. البته به معنای این نیست که در آن اتفاقات کوچک نیفتاد. شما آن صحنه‌های سخت، آتش سنگین را می‌دیدید تا اینکه آتش بس آنجا در حقیقت برقرار شد. یکی از اتفاقات، شما در همین مدت دیدید که ما بیش از ۸۰ میلیون بشکه نفت فقط صادر کردیم. ما در واردات کالاهای اساسی و مواد ضروری اقدامات خوبی را انجام دادیم. نگاه کنید: پس این فرصت‌ها هم در اختیار ما بوده و می‌توانیم این فرصت‌ها را هم مجدداً تکرار کنیم. به گفته قالیباف، سیاست ایران تحقق شروط تفاهم‌نامه است و تا زمانی که شروط اجرای تعهدات آمریکا در تفاهم‌نامه اجرایی نشود، تنگه هم باز نخواهد شد و آمریکا مجبور است که به تعهداتش عمل کند و برای بار سوم این شکست را براو تحمیل خواهیم کرد.

خبر کوتاه

خضریان: جنگ طلبان واقعی پرچم سازش به دست می‌گیرند

علی خضریان، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجه مجلس در اجتماع مردمی میدان نبوت تهران با اشاره به این مطلب که دشمن با هزینه‌های گزاف روی خیابان‌های ایران حساب باز کرده است، اظهار داشت: بدون شک اگر به سمت سازش حرکت کنیم جنگ مجدد خواهیم داشت زیرا دشمن برداشت ضعف از ایران خواهد داشت. بنابراین باید اذعان کرد کسانی جنگ طلب هستند که اتفاقاً پرچم سازش به دست می‌گیرند؛ به عبارتی آن‌هایی که حرف از سازش می‌زنند، سایه جنگ را بر سر کشور نگه می‌دارند. وی افزود: آن‌هایی که پرچم مقاومت به دست دارند، جنگ طلب نیستند و اتفاقاً صلح طلب هستند. مگر جمهوری اسلامی ایران بعد از جنگ تحمیلی ۱۲ روزه جنگ را ادامه داد؟ آتش بس در شورای عالی امنیت ملی تصویب و توسط فرمانده کل قوه شهید، تأیید شد. بنابراین باید سوال کرد چه کسی جنگ تحمیلی سوم را آغاز کرد؟. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: براین اساس باید اذعان کرد روند تکرار جنگ یک جایی باید متوقف شود. نمی‌شود که دشمن هر موقع دلش خواست جنگ کند و هر موقع دلش خواست اعلام آتش بس، زیرا در چنین شرایطی اقتصاد کشور دچار آسیب می‌شود.

وزارت علوم در پاسداری از قانون و ارزش‌ها با کسی تعارف نکند

بسیج اساتید در بیانیه‌ای به هنجارشکنی صورت گرفته در نشست مسئولان وزارت علوم با یک جمع دانشجویی اعتراض کرد. در بخشی از این بیانیه آمده است: آنجا که سکوت در برابر این قانون‌شکنی و ناهنجاری از سوی مقامات ارشد وزارتخانه، مهر تأییدی بر آن تلقی می‌شود، خواستار عزل فوری و برخورد قانونی با مسئولین خاطی حاضر در جلسه هستیم. بررسی دقیق چرایی شکل‌گیری این جلسه و شناسایی عواملی که بستر چنین ساختارشکنی و دهن‌کجی‌هایی را فراهم کرده‌اند، امری ضروری است. حافظه تاریخی دانشگاه‌ها بیاد دارد هنوز آرای قطعی تخلفات معدود دانشجویان همراهی‌کننده با فتنه دی‌ماه ۱۴۰۴ در کمیته انضباطی مرکزی بعد از ۸ ماه صادر نگردیده و تعلل در این زمینه تبعات آن در آینده دامن دانشگاه‌ها را خواهد گرفت.

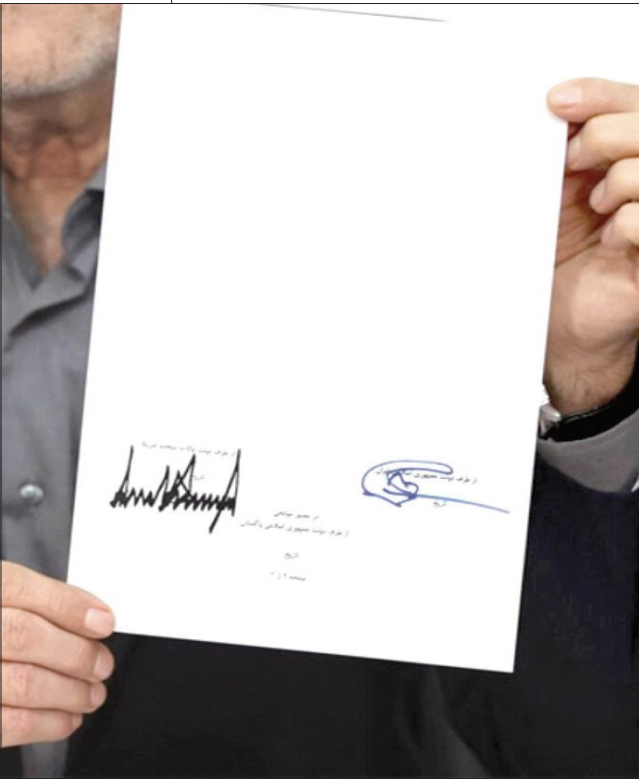
وزارت علوم موظف است ضمن صدور بیانیه‌ای صریح، از ساحت جامعه دانشگاهی و خانواده‌های شهید، به دلیل این ترویج آشکار ساختارشکنی و جرم کشف حجاب عذرخواهی نماید و از صدور اطلاعیه‌های تو جیهی پرهیز نماید.

حادثه مرگبار بزرگراه وکیل‌آباد مشهد عمدی یا امنیتی نبود

رئیس پلیس ترافیک شهری راهور فراجا با تشریح جزئیات حادثه دلخراش برخورد خودروی جنسیس با عابران در مشهد، اعلام کرد که این حادثه به دلیل تشنج راننده و از دست دادن کنترل خودرو رخ داده و هیچ جنبه عمدی یا امنیتی نداشته است. رئیس پلیس ترافیک شهری راهور فراجا با اشاره به برخی روایت‌های منتشرشده در فضای مجازی تأکید کرد: بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد این حادثه عمدی یا امنیتی نبوده و علت وقوع آن، از دست رفتن توانایی کنترل وسیله نقلیه بر اثر تشنج راننده بوده است.

وی افزود: این حادثه در شرایطی رخ داد که پلیس در محل حضور داشت و اقدامات لازم برای آرام‌سازی و مدیریت ترافیک انجام شده بود. همچنین از علائم هشداردهنده استفاده شده و یگان‌های ویژه نیز در محل مستقر بودند؛ بنابراین از نظر تأمین ایمنی ترافیکی در محل، اقدامات لازم صورت گرفته بود.

سرهنگ شکیبایی خاطرنشان کرد: آنچه در این حادثه رخ داد، یک رفتار خارج از کنترل و ناگهانی بود که به علت تشنج به راننده دست داده و متأسفانه منجر به وقوع این حادثه دلخراش شده است. رئیس پلیس ترافیک شهری راهور فراجا با تأکید بر اهمیت رعایت اصول ایمنی در برگزاری تجمعات گفت: توصیه پلیس این است که شهروندان حتی الامکان از مکان‌های ایمن برای تجمعات شبانه استفاده کنند؛ مکان‌هایی که امکان حضور مستمر پلیس و ایمن‌سازی کامل آن وجود داشته باشد.



پیگیری تفاهم‌نامه در شانتهای!

در کنار رئیس هیات مذاکره‌کننده، مسعود پزشکیان نیز همچنان و با وجود بازگشت جنگ، پیگیر بازگرداندن آمریکا به تفاهم‌نامه است. پزشکیان در جریان اجلاس شانگهای و در دیدار رئیس‌جمهور روسیه گفت: طرف مقابل اگر بخواهد ادامه دهد، ما باید همان تفاهم‌نامه‌ای هستیم که امضا کرده‌ایم. اگر آمریکا به همان تفاهم‌نامه بازگردد، ما هم به آن عمل خواهیم کرد!

برداشت آمریکایی از تفاهم‌نامه

بر خلاف افتخار پزشکیان و قالیباف به تفاهم‌نامه اسلام‌آباد و تلاش برای بازگرداندن طرف مقابل به بندهای تفاهم‌نامه، مقامات آمریکا، برداشت متفاوتی از مذاکرات و تفاهم‌نامه دارند! از نگار رئیس‌جمهور آمریکا، تفاهم‌نامه صرفاً یک تکه کاغذ بی‌ارزش است. بر همین مبنا، تفاهم‌نامه اساساً موضوعیتی برای طرف مقابل نداشته و آمریکایی‌ها، عملیات ترکیبی خود علیه کشورمان در حوزه‌هایی چون محاصره دریایی، حمله نظامی به مناطق جنوبی ایران، تحریم‌های پی‌در پی اقتصادی و جنگ روانی را طراحی کرده و پیش برده‌اند.

کالابرگ در دور باطل وعده‌های رنگارنگ؛ فعلاً منابع نیست



گفته است: «از دو ماه گذشته شناسایی گروه‌های درآمدی برای افزایش اعتبار کالابرگ نیز در دستور کار قرار گرفته است.» به گفته او، در صورت تأمین منابع، احتمال افزایش اعتبار برای گروه‌های کم‌درآمد و متوسط وجود دارد، اما «هنوز منابع مالی به‌طور دقیق مشخص نشده و بنابراین رقم افزایش اعتبار نیز تعیین نشده است.» او احتمال اجرای طرح را «از پاییز» اعلام کرده است.

مسئله کالابرگ دیگر صرفاً یک سیاست حمایتی نیست؛ آزمونی برای سنجش توان دولت در حفظ قدرت خرید مردم است. وقتی رقم اعتبار ثابت می‌ماند اما تورم، قیمت کالاهای اساسی و هزینه زندگی افزایش می‌یابد، معنای واقعی حمایت نیز به تدریج از بین می‌رود. از سوی دیگر، فاصله میان وعده افزایش اعتبار و اجرای آن، اکنون به چند ماه رسیده است.

که پیش‌تر اعلام و تصویب شده بود افزایش دهد. «او افزود: «البته محدودیت‌ها برطرف نشده‌اند، اما راهی پیدا کرده‌ایم تا کالابرگ را برای برخی از دهک‌های مشمول افزایش دهیم که زمان افزایش آن هنوز مشخص نیست.» محمد رضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور، نیز اذعان کرد: «ما تاکنون نتوانسته‌ایم برخی راهبردهای رئیس‌جمهوری را محقق کنیم که مهم‌ترین آن افزایش مبلغ کالابرگ است.» او تأکید کرد که رئیس‌جمهور «از اسفند سال گذشته این موضوع را از دولت مطالبه کرده، اما هنوز این مطالبه محقق نشده است.»

سرانجام احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اعلام کرد «این امر بستگی به بودجه دولت دارد.» به گفته او، «محدود بودن منابع مالی در واقع اجرایی شدن این مسئله را به عقب انداخته است.» یعقوب اندایش، معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، نیز

کالابرگ قرار بود حلقه تکمیل‌کننده سیاست حذف ارز ترجیحی باشد؛ بر همین اساس، از ابتدای اجرای طرح، برای هریارانی یک میلیون تومان اعتبار کالابرگ در نظر گرفته شد و قرار بود با افزایش تورم و قیمت کالاهای اساسی، رقم این اعتبار نیز متناسب با شرایط اقتصادی افزایش یابد. اما با گذشت چند ماه از وعده‌های مکرر برای افزایش اعتبار، هنوز خبری از اجرای آن نیست؛ در حالی که برآوردها نشان می‌دهد ارزش واقعی همان یک میلیون تومان نسبت به زمان آغاز طرح بیش از ۷۰ درصد کاهش یافته است. به این ترتیب، حمایتی که قرار بود قدرت خرید مردم را حفظ کند، خود نیازمند جبران کاهش قدرت خرید شده است. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، درباره علت محقق نشدن این وعده می‌گوید: «در موضوع کالابرگ و محدودیت‌هایی که وجود داشت، دولت نتوانست مبلغ آن را به میزانی

آمارها از ثبات اقتصادی در دولت رئیسی و بی‌ثباتی در دولت پزشکیان حکایت می‌کنند؛

از دولت فعال تا دولت انفعال

عبور نرخ دلار از مرز ۲۲۰ هزار تومان در روز گذشته، ذهن بسیاری از افراد را به یاد اظهارات دولتمردان کنونی در نقد عملکرد دولت شهید رئیسی در مدیریت اقتصاد و گلابه از شاخص‌های اقتصادی انداخت. این یادآوری باعث شد طی روزهای اخیر، وضعیت شاخص‌های اقتصادی در تابستان ۱۴۰۳ یعنی زمان شروع به کار دولت پزشکیان با وضعیت کنونی مقایسه شود. نتیجه این مقایسه البته آشکار است؛ سقوط تمام شاخص‌های اقتصادی. با این حال، آنچه در این مقایسه‌ها پنهان می‌ماند، علت این تغییر شرایط آن هم تنها طی دو سال است.

چه شد که اقتصاد به اینجا رسید؟

مقایسه دولت گذشته و دولت فعلی در مدیریت امور اجرایی کشور، خصوصاً در حوزه اقتصاد، علت اصلی روند منفی شاخص‌های اقتصادی طی دو سال گذشته را آشکار می‌کند. رویکرد فعالانه دولت سیزدهم در حل مسائل اقتصادی و پرهیز از شعار و بهانه‌تراشی، زمینه‌ساز برطرف شدن یا دست‌کم محدود شدن ایجاد بحران‌های اقتصادی به‌جامانده از دولت روحانی شد. اما دولت چهاردهم اما درست نقطه مقابل دولت شهید رئیسی ایستاده است. انفعال مطلق دولت به‌ویژه در حل مسائل اقتصادی، باعث تشدید چالش‌های اقتصادی و حتی بروز بحران‌های جدید شده است. بهانه‌تراشی‌های دولتمردان و ارسال مداوم سیگنال‌های ضعف، مصادیقی از همین رویکرد منفعلانه مقامات دولت در مواجهه با مسائل اقتصادی است.

اثر مخرب انفعال دولتمردان در حل مسائل اقتصادی ناگفته پیداست. اثر تخریبی دیگر دولت چهاردهم در حوزه اقتصاد، ارسال مداوم سیگنال‌های منفی به بازارها و عاملان اقتصادی و در نتیجه تحریک انتظارات در جهت تخریب هرچه بیشتر شاخص‌های اقتصادی است. نمونه بارز این موضوع را می‌توان در افزایش شدید نرخ ارز طی دو هفته اخیر مشاهده کرد. یک دولت در کنار مشکلات تحریم، برای اقتصاد برنامه دارد که اثر آن در شاخص‌های کلان اقتصادی دیده شد اما دولت پزشکیان تحریم را بهانه‌ای برای مشکلات عنوان می‌کند؛ رویکردی که اقتصاد ایران را دوباره به دهه ۹۰ (دهه از دست رفته اقتصادی ایران) بازمی‌گرداند، دولت پزشکیان باید رویکرد خود را تغییر دهد و به دنبال تحقق وعده‌های داده شده باشد.

درصدی به بیش از ۲۲۰ هزار تومان در روز گذشته رسیده است.

عقب‌گرد اقتصاد در دولت پزشکیان

روگردشکنی‌های منفی در کارنامه اقتصادی دولت پزشکیان البته تنها به تورم و نرخ ارز خلاصه نمی‌شود. تقریباً شاخص اقتصادی مهمی نمی‌توان یافت که دولت پزشکیان در آن موفق به بهبود وضعیت یا دست‌کم حفظ ارقام تابستان ۱۴۰۳ شده باشد. رشد اقتصادی که در سال ۱۴۰۳ معادل ۳ درصد بود، در سال ۱۴۰۴ به حدود منفی یک درصد رسید. نرخ بیکاری از حدود ۷ درصد به حدود ۹ درصد افزایش یافت. رشد پایه پولی و نقدینگی که در تابستان ۱۴۰۳ کمتر از ۳۰ درصد بود، طبق آخرین آمارهای بانک مرکزی به بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته است. تورم تولیدکننده هم که در تابستان ۱۴۰۳ در کانال ۲۰ درصدی قرار داشت، طبق آخرین آمارهای مرکز آمار به آستانه ۱۰۰ درصد در بهار امسال رسیده که جهش چهار برابری را نشان می‌دهد. مقامات دولت عامل اصلی این شرایط را جنگ اخیر معرفی می‌کنند. این ادعا در حالی است که شواهد آماری منتشرشده توسط دولت نشان می‌دهد روند تخریب اقتصاد در حوزه‌های مختلف، اساساً پیش از جنگ ۴۰ روزه آغاز شده بود؛ به‌طور مثال، تورم نقطه به نقطه مواد خوراکی در پایان بهمن سال گذشته و پیش از جنگ ۴۰ روزه به بیش از ۱۰۰ درصد افزایش یافته بود. همچنین رشد اقتصادی در سه فصل نخست سال ۱۴۰۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل از آن کاهش یافته بود. شاخص‌های بازار کار هم تا پیش از جنگ ۴۰ روزه، افت محسوسی نسبت به سال ۱۴۰۳ را نشان می‌داد. همه این شواهد نشان می‌دهد توضیحات دولتمردان درباره تأثیر عمده جنگ در بروز شرایط کنونی اقتصادی، صرفاً توجیهی برای تیرتیر دولت است.



هادی هدایت زاده

روزنامه‌نگار

نرخ دلار، دیروز چهارشنبه ۱۱ شهریور وارد کانال ۲۲۰ هزار تومان شد. کمتر کسی فکر می‌کرد پس از فتح کانال ۲۱۰ هزار تومان، کانال بعدی نیز فتح شود؛ آن هم به این زودی! با رکورد روز گذشته، نرخ ارز تنها طی دو هفته ۴ کانال بالا آمده است. وضعیت بازار ارز به حدی بحرانی شد که شامگاه سه‌شنبه ۱۰ شهریور، جلسه‌ای با محوریت بازار ارز در بانک مرکزی تشکیل شد که در رأس این جلسه، محمد رضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور حضور داشت. سقوط آزاد این روزهای ارزش پول ملی، فضای رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی را به یاد انتقادهای دولتمردان کنونی از دولت شهید آیت‌الله رئیسی بابت مدیریت بازار ارز و همچنین وعده آنها در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۳ در همین رابطه انداخت. مسعود پزشکیان در انتخابات ریاست جمهوری با اطمینان دادن به مردم درباره بازار ارز گفت: «نمی‌خواهم مردم مدام چشمشان به اخبار باشد تا ببینند فردا نرخ دلار بالا می‌رود یا پایین می‌آید؛ چون فرق می‌کند چه کسی رئیس‌جمهور باشد.» پیش از انتخابات سال ۱۴۰۳، در شرایطی که بازار ارز به مراتب آرام‌تر از شرایط فعلی بود، دولتمردان کنونی انتقادهای تندی از دولت سیزدهم در زمینه حفظ ارزش پول ملی داشتند. فعال‌ترین آن‌ها اما عبدالناصر همتی، رئیس‌کل کنونی بانک مرکزی و مسئول حفظ ارزش پول ملی است. وی بارها و بارها دولت شهید رئیسی را بابت تورم و نرخ ارز شتمات کرد. در یکی از این موارد همتی با حمله به دولت شهید رئیسی گفت: «دولت نباید ژست کنترل تورم را به خود بگیرد. به نظر من باید از مردم عذرخواهی کنند و بگویند نتوانستیم تورم را کنترل کنیم.»

نصف شدن رشد تورم در دولت سیزدهم

انتقادات تند و تیز منتقدان دیروز و دولتمردان امروز، اکنون به شاخصی برای سنجش عملکرد خودشان تبدیل شده است. آنها در شرایطی به دولت گذشته در موضوع کنترل تورم انتقاد می‌کردند که دولت شهید رئیسی با وجود حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی در بهار ۱۴۰۱، نرخ تورم را از حدود ۶۰ درصد در تابستان ۱۴۰۰ به حدود ۳۵ درصد در تابستان ۱۴۰۳ رساند. دولت شهید رئیسی همچنین توانست شدت افت ارزش پول ملی را کاهش دهد و ثبات نسبی را به این بازار بازگرداند. اکنون پس از دو سال فعالیت دولت پزشکیان، نرخ ارز از حدود ۵۹ هزار تومان در شهریور ۱۴۰۳ به ۲۷۳

موج خبر

وعده‌های روشن، خانه‌های خاموش

قرار بود خاموشی‌ها از ابتدای شهریور کم شود؛ حالا اما در حالی که نیمه شهریور نزدیک می‌شود که چراغ خانه‌ها و واحدهای تولیدی همچنان با برنامه مدیریت بار یا قطعی‌های ناگهانی خاموش می‌شود. این در حالی است که وزارت نیرو طی هفته‌های اخیر چند بار از نزدیک بودن پایان محدودیت‌های برق خبر داده است؛ وعده‌هایی که هر بار یک بازه زمانی تازه برای کاهش خاموشی‌ها تعیین کرده‌اند، اما استمرار قطعی برق نشان می‌دهد مسئله خاموشی‌ها هنوز به پایان نرسیده است. نخست، مصطفی رجبی مشهدی معاون برق و انرژی وزارت نیرو وعده داده بود خاموشی‌ها در مناطق عادی حداکثر دو ساعت باشد و طی یک تا دو هفته به حداقل برسد. او با اشاره به اضافه شدن حدود ۲۵۰۰ مگاوات ظرفیت تولید برق گفته بود: «این قول را به مردم می‌دهیم که در یک تا دو هفته آینده، خاموشی‌ها به حداقل برسد.»

اما چند هفته بعد، همچنان برنامه‌های مدیریت بار در نقاط مختلف کشور منتشر می‌شود. با این حال با وجود کاهش دما، مسئله خاموشی به‌طور کامل خاتمه نیافته است. در ادامه، وعده‌ها از «کاهش خاموشی» به «پایان خاموشی» رسید. عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو، در روزهای اخیر از پایان قطعی برق در همین هفته سخن گفته و تأکید کرد که مردم دیگر نگران خاموشی نباشند. این در حالی است که تنها یک روز پیش از آن، محمد اله داد مدیرعامل توانیر پایان تدریجی خاموشی‌ها را تا اواسط شهریور اعلام کرده بود؛ یعنی حتی در سطح وعده‌های مسئولان نیز یک بازه زمانی مشخص و واحد برای پایان قطعی‌ها وجود ندارد. مدیرعامل شرکت توانیر، ۱۰ شهریور گفته بود: «با افت دما و بارندگی که امیدواریم آغاز شود، به تدریج تا اواسط شهریور خاموشی‌ها به‌طور کامل تمام می‌شود.» او از کاهش سه‌درصدی تقاضای برق برای دومین سال متوالی خبر داده و در عین حال تداوم گرما را یکی از عوامل فشار بر شبکه دانسته است.

وقتی یک مقام از کاهش خاموشی‌های طی دو هفته می‌گوید، مقام دیگر از پایان آن تا اواسط شهریور سخن می‌گوید و وزیر نیرو نیز از پایان قطعی‌ها در همین هفته خبر می‌دهد، طبیعی است که معیار قضاوت افکار عمومی، نه وعده بعدی بلکه وضعیت واقعی برق در خانه و محل کار باشد. نکته مهم دیگر آن است که کاهش خاموشی با حل ناترازی تفاوت دارد. افت دما و کاهش مصرف می‌تواند فشار کوتاه‌مدت بر شبکه را کم کند، اما مشکل ساختاری تولید، سرمایه‌گذاری، فرسودگی تجهیزات، توسعه شبکه انتقال و توزیع و تأمین سوخت نیروگاه‌ها همچنان پابرجاست.

تورم و نرخ دلار از ابتدای دولت پزشکیان تا کنون



عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس در گفت‌وگو با «نوبنیاد» مطرح کرد:

روایت متفاوت از مدیریت مصرف سوخت در کرمان

این روزها که نوسان نرخ ارز شتاب گرفته، قیمت دلار از ۲۲۰ هزار تومان فراتر رفته و هر روز جهش ۳ تا ۴ درصدی را تجربه می‌کند، نشان‌دهنده آن است که دولت برای اقتصاد برنامه‌ای ندارد. نمونه عینی این ماجرا در بحث بنزین مشاهده شد؛ موضوعی که می‌توانست کشور را با بحرانی به‌مراتب بدتر از ۱۸ دی‌ماه سال گذشته مواجه کند. دولت از روزه‌های پایانی خرداد امسال بحث بنزین را مطرح کرد، اما تاکنون هیچ تصمیمی در مورد آن اتخاذ نکرده است. طی



نیما سهیلی

روزنامه نگار

نظر قرار گیرد. کرمان استانی است که فاصله برخی شهرهای آن بیش از ۲۰۰ کیلومتر بوده و فاصله جنوب تا شمال استان نزدیک به ۱۰۰۰ کیلومتر است. مسئولان باید جزئیات را به دقت بررسی و برای هر مسئله راهکار عملیاتی ارائه دهند، نه اینکه صورت مسئله را پاک کنند. مدیریت سوخت یک ضرورت انکارناپذیر است؛ اما هم‌زمان با آن، باید بسته‌ای جامع از اقدامات تکمیلی به اجرا درآید. این نماینده مجلس تاکید کرد: گازسوز کردن ناوگان حمل‌ونقل یک ضرورت جدی است. بهره‌گیری از گاز مایع (LPG) به عنوان یک سبب سوختی می‌تواند اقدامی بسیار مؤثر باشد و باید در کشور توسعه یابد. همچنین خروج خودروهای فرسوده از چرخه حمل‌ونقل تأثیر بسزایی در کاهش مصرف خواهد داشت تا در کنار آن بتوانیم سوخت را به‌گونه‌ای مدیریت کنیم که فشاری بر معیشت و تردد مردم وارد نشود.

ناهمانگی دولت؛

عامل ایجاد صف و التهاب روانی

دوستعلی پیرامون تأثیر ناهمانگی‌ها و اظهارنظرهای متناقض بر شکل‌گیری صف‌های بنزین، از جمله صف‌های ایجادشده در پایتخت در هفته نخست شهریورماه، اظهار داشت: ریشه اصلی این بحران، همین اظهارنظرهای غیرهماهنگ مسئولان بود. دولت به معنای مجموعه‌ای یکپارچه است که ارکان آن باید با یکدیگر هم‌راستا باشند. طبق قانون اساسی، رئیس جمهور مسئولیت هماهنگی امور و ارکان دولت را بر عهده دارد. هیئت دولت هفته‌ای دو بار تشکیل جلسه می‌دهد تا سیاست‌های اجرایی کشور را هماهنگ سازد؛ چراکه اگرچه هر دستگاه مأموریت تخصصی خود را دنبال می‌کند، اما تمامی بخش‌ها باید در یک مسیر واحد حرکت نمایند.

این نماینده مجلس گفت: دولت همانند خودرویی با چهار چرخ است که باید تمامی چرخ‌ها هم‌زمان و با سرعتی متناسب حرکت کنند؛ در غیر این صورت، این خودرو با متوقف می‌شود یا در صورت حرکت، خطر واژگونی آن وجود دارد؛ بنابراین وجود هماهنگی تشکیلاتی یک ضرورت مطلق است. وی ادامه داد: بی‌تردید برخی موضع‌گیری‌ها، از جمله اظهاراتی که در کرمان درباره بنزین ۸۷ هزار تومانی مطرح شد، دغدغه و نگرانی گسترده‌ای به وجود آورد و در نهایت مسئولان ناچار شدند با فوریت آن را منتفی اعلام کنند.

دوستعلی تصریح کرد: یکی از پایه‌های بنیادین اجرای هر سیاستی، تبیین شفاف و همراه ساختن مردم است. هنگامی که نااطمینانی و نگرانی ایجاد شود، شهروند حتی اگر تنها پنج لیتر از باک خودرویش خالی باشد، به جایگاه سوخت مراجعه می‌کند؛ در حالی که در شرایط عادی تا زمان روشن شدن چراغ بنزین نیازی به سوخت‌گیری نمی‌بیند؛ بنابراین مسئله بنزین علاوه بر بعد اقتصادی، از یک بعد روانی برجسته برخوردار است و کوچک‌ترین تغییر در نرخ یا سازوکار عرضه، حساسیت اجتماعی ایجاد می‌کند. این نماینده مجلس در ادامه تأکید کرد: در بحث بهینه‌سازی، خود شهروندان نیز باید الگوی مصرف را مدیریت کنند. همان‌گونه که هر خانواده با حقوق ماهانه هزینه‌های معیشتی خود را تنظیم می‌کند، در حوزه مصرف انرژی نیز نیازمند انضباط هستیم. البته تحقق این امر نیازمند بستربهایی نظیر استفاده از خودروهای کم‌مصرف و گازسوز است. همچنین برای ترددهای کوتاه مدت درون محله‌ای می‌توان استفاده از دوچرخه یا پیاده‌روی را جایگزین تردد با خودروی شخصی کرد که این بخش نیز به مدیریت هوشمندانه مصرف توسط خود افراد بازمی‌گردد.

مصرف سوخت بود؛ اما در حقیقت یک طرح اولیه و آغاز یک مسیر به شمار می‌رفت. بنابراین طبیعی است که در ابتدای کار، برخی ایرادات و چالش‌های اجرایی برای اقشار مختلف مردم ایجاد شود که مجریان باید به مرور زمان آن‌ها را شناسایی و رفع کنند؛ هرچند کلیت کار اصولی و درست بود.

شوک قیمتی بنزین ۸۷ هزار تومانی

این نماینده مجلس بیان کرد: با وجود این دستاوردها، طرح مذکور دارای ایراداتی نیز بود. نخستین ایراد به نظر بنده این بود که طرح برای افکار عمومی به خوبی تبیین و توجیه نشد و ابعاد آن برای جامعه تشریح نشد تا مردم با آرامش و اطمینان خاطر همراهی کنند؛ این یک نقص آشکار بود. وی ادامه داد: ایراد دوم این بود که در جریان اجرای طرح، معاون عمرانی استاندار کرمان به یک‌باره مصاحبه‌ای انجام داد و گفت چنانچه فردی تمام سهمیه‌های در اختیار خود را مصرف کند و باز هم نیازمند بنزین باشد، بنزین با قیمت ۸۷ هزار و ۲۰۰ تومان در پمپ‌بنزین‌ها عرضه خواهد شد. این مسئله با توجه به فقدان اطلاع‌رسانی قبلی و توجیه‌نبودن جامعه، شوک روانی سنگینی وارد کرد و مردم نگران شدند که مبادا از فردا نرخ بنزین به ۸۷ هزار و ۲۰۰ تومان افزایش یابد. دوستعلی افزود: متأسفانه یک بار روانی و التهاب گسترده در سطح جامعه شکل گرفت. هرچند بلافاصله این تصمیم لغو و اعلام شد که این نرخ اساساً مبنایی نداشته و بنزین با همان قیمت سابق عرضه می‌شود؛ اما برای ما جای پرسش بود که این عدد از کجا آمده و رقم ۸۷ هزار و ۲۰۰ تومان برچه اساسی تعیین شده است؟ آیا بر مبنای قیمت تمام‌شده و هزینه‌های پالایشگاهی بوده یا محاسبات دیگری داشته است؟

از توسعه LPG تا خودروهای برقی

این نماینده مجلس خاطر نشان کرد: ایراد سوم این بود که به مسئولان اجرایی یادآور شدیم هنگام پیاده‌سازی چنین طرحی، حتماً یک بسته تشویقی نیز برای مردم در نظر بگیرند تا انگیزه و همراهی جامعه ارتقا یابد. در حال حاضر استان‌هایی نظیر سیستان و بلوچستان، هرمزگان و بخش‌هایی از کردستان که با صف‌های بنزین روبه‌رو هستند، جویای نحوه اجرای این طرح در کرمان شده‌اند تا صف‌های سوخت‌گیری را مدیریت کنند. دوستعلی تصریح کرد: باید شرایط فعالیت رانندگان تاکسی‌های اینترنتی، تاکسی‌ها، سرویس‌های مدارس از ابتدای همراه، وانت‌بارها و همچنین مسئله مسافت‌های طولانی در استان کرمان مد

برچیده شدن صف‌های بنزین و حذف بستر قاچاق

دوستعلی با اشاره به زمینه‌های شکل‌گیری طرح مدیریت سوخت در استان کرمان اظهار داشت: در مسئله بنزین استان کرمان یک معضل جدی وجود داشت؛ با وجود کارت‌های سوخت جایگاه‌ها برای استفاده از بنزین با نرخ آزاد، شاهد صف‌های بسیار طولانی بنزین بودیم و مردم به‌طور مکرر از این وضعیت گلایه و شکایت داشتند. حتی در بازدید میدانی مشاهده کردم که پشت یکی از پمپ‌بنزین‌ها، مردم چند کیلومتر در صف ایستاده بودند تا بتوانند از کارت آزاد جایگاه استفاده کنند. وی افزود: مردم از این وضعیت بسیار ناراضی بودند؛ به‌عنوان نمونه، کارمندی که قصد رفتن به محل کار خود را داشت، مجبور بود برای سوخت‌گیری دو تا سه ساعت در صف معطل بماند. در کنار این موضوع، بررسی‌ها نشان داد بخشی از سوختی که از طریق کارت‌های جایگاه‌ها عرضه می‌شد، به سمت قاچاق سوق پیدا می‌کرد. او گفت: افرادی بودند که بنزین را با نرخ ۵ هزار تومان دریافت می‌کردند و سپس در مسیرهای برون‌شهری کرمان، به‌ویژه در مناطق جنوب و جنوب‌شرق، آن را با قیمت‌های بسیار بالاتری می‌فروختند؛ حتی در مواردی بنزین در مرزها تا ۱۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار تومان نیز به فروش می‌رسید. این نماینده مجلس تصریح کرد: برای حل این چالش، پیشنهادی در کرمان مطرح شد مبنی بر اینکه کارت‌های سوخت آزاد جایگاه‌ها به‌طور کامل جمع‌آوری شوند. با هماهنگی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران، مسئولان اجرایی و شرکت ملی نفت در استان کرمان برنامه‌ریزی شد تا علاوه بر ۶۰ لیتر بنزین سهمیه‌ای ۱۵۰۰ تومانی و ۵۰ لیتر بنزین ۳۰۰۰ تومانی، مقداری سهمیه مازاد نیز در کارت‌های سوخت شخصی افراد شارژ شود تا نیاز به استفاده از کارت جایگاه‌ها برطرف گردد و هر فرد با کارت سوخت شخصی خود اقدام به سوخت‌گیری کند.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس تأکید کرد: با اجرای این تصمیم، نخستین پیامد مثبت این بود که صف‌های بنزین در کرمان به‌طور کامل برچیده شد و شهروندان هر زمان که نیاز داشتند با کارت شخصی خود سوخت‌گیری می‌کردند. از سوی دیگر، بستر قاچاق سوختی که از طریق کارت‌های جایگاه‌ها صورت می‌گرفت نیز از میان رفت؛ چراکه سوخت عرضه‌شده پیشین دیگر در دسترس دلالان قرار نداشت و از این طریق، صرفه‌جویی چشمگیری در مصرف بنزین رقم خورد. دوستعلی یادآور شد: این اقدام، مدیریتی درست در حوزه

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران نیز با تأکید بر اینکه کمبودی در تأمین بنزین وجود ندارد، اعلام کرد برخی اظهارنظرها درباره تغییر سهمیه و قیمت بنزین، موجب ایجاد نگرانی در جامعه و در نتیجه افزایش ۱۰ درصدی مصرف این فرآورده شده است. سرانجام مسعود پزشکیان، رئیس دولت چهاردهم، اعلام کرد: قیمت سهمیه اول و دوم بنزین تغییر نخواهد کرد و فقط نرخ سهمیه سوم (کارت جایگاه) از ۵ هزار تومان به ۱۰ هزار تومان افزایش می‌یابد. هرچند زمان اجرای آن اعلام نشده، اما این ماجرا، اظهارنظرهای متناقض و عدم هماهنگی در بدنه دولت، کشور را به سمت هدف دشمن یعنی ایجاد بحران اقتصادی و کمبود صوری بنزین سوق می‌داد؛ روندی که در نهایت با موضع‌گیری رئیس‌جمهور تا حدی آرام شد.

در همین راستا، در استان کرمان طرحی از ابتدای مرداد امسال برای جلوگیری از قاچاق سوخت با کارت جایگاه‌ها به اجرا درآمد. بر اساس این طرح، کارت سوخت جایگاه‌ها در این استان حذف شد و برای جبران آن، علاوه بر ۶۰ لیتر بنزین سهمیه اول و ۵۰ لیتر سهمیه دوم، ۴۰ لیتر دیگر نیز در کارت شخصی خودروها شارژ شد تا نیازی به کارت جایگاه نباشد. البته در روزهای پایانی مرداد، نامه استانداری درباره بنزین آزاد جنجال‌آفرین شد؛ چراکه بر اساس آن نامه، برای مصرف مازاد بر ۱۵۰ لیتر، نرخ ۸۷ هزار و ۲۰۰ تومان تعیین شده بود که البته در همان ساعات نخست ابلاغ، این تصمیم لغو شد. شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران نیز اعلام کرد این طرح با هدف مدیریت مصرف سوخت و جلوگیری از تشکیل صف‌های طولانی در جایگاه‌ها، در استان سیستان و بلوچستان نیز اجرا شده و سهمیه مازاد ۵۰ لیتری (با نرخ ۵ هزار تومان) به کارت‌های سوخت شخصی در این دو استان، یعنی کرمان و سیستان و بلوچستان، تخصیص یافته است.

مجید دوستعلی، نماینده مردم کرمان و عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با روزنامه نوبنیاد، به تشریح ابعاد طرح مدیریت سوخت در استان کرمان، حواشی نرخ اعلام‌شده بنزین آزاد، ضرورت هماهنگی ارکان دولت در تصمیم‌گیری‌های حوزه انرژی و الزامات اجرای بسته‌های غیرقیمتی پرداخت.

بازگشت عواید صرفه‌جویی به زیرساخت‌ها و معیشت مردم

دوستعلی با تأکید بر اینکه کشور به مدیریت منابع سوختی نیاز دارد و این امر یک ضرورت است، گفت: من به مردم شریف کرمان نیز عرض کردم که منابع حاصل از صرفه‌جویی سوخت، متعلق به خود مردم است. این عواید باید صرف توسعه راه‌ها، خرید آمبولانس،

تجهیز زیرساخت‌های درمانی و بهداشتی و مدرسه‌سازی شود. در گذشته بخشی از این ثروت ملی به جیب قاچاقچیان می‌رفت؛ اما امروز دولت باید اقداماتی اتخاذ کند که موجبات همراهی و رضایت جامعه را فراهم آورد. این نماینده مجلس با اشاره به اینکه مردم ایران آگاه، با فرهنگ و بصیر هستند، افزود: ملت وفادار در بزنگاه‌های تاریخی همواره از کشور و نظام خود حمایت کرده‌اند. ما در دوران دفاع مقدس تجربه موفق مدیریت سوخت و نظام توزیع کوپنی را داشتیم و مردم با سیاست‌های اجرایی کشور کمال همکاری را داشتند. امروز نیز این ظرفیت اجتماعی وجود دارد؛ مشروط بر آنکه دولت شرایط و واقعیت‌های جامعه را در نظر بگیرد. وی در پایان تأکید کرد: نمی‌توان برای سراسر کشور یک نسخه واحد و یکسان پیچید. دولت باید معیشت اقشار مختلف را محور تصمیم‌گیری قرار دهد و بی‌تردید هرچه پیوست رسانه‌ای و ابتلاع افکار عمومی در این طرح‌ها دقیق‌تر باشد، همراهی و مشارکت مردم در سیاست‌های مدیریت بهینه مصرف سوخت بیشتر خواهد شد.

یادداشت

صف‌آرایی در دواجلس

محسن پورادفر
روزنامه‌نگار

هم‌زمانی اجلاس سازمان همکاری شانگهای در بیشکک با نشست گروه ۲۰ در آمریکا، تصویری روشن از شکاف عمیقی است که در حال شکل‌گیری در ساختار قدرت جهانی است. از یک سو واشنگتن می‌کوشد همچنان خود را محور اقتصاد و سیاست بین‌الملل معرفی کند و از سوی دیگر چین، روسیه، ایران و دیگر قدرت‌های غیرغربی در حال ساختن شبکه‌ای از همکاری‌ها هستند که پیام اصلی آن، عبور از جهان تک‌قطبی و حرکت به سمت نظمی چندقطبی است.

تصویری که از هم‌زمانی این دواجلس منتشر شد، خود گویای بسیاری از واقعیت‌هاست. در بیشکک، شی جین‌پینگ در کنار روسیه، ایران و دیگر رهبران آسیایی گرد هم آمد تا از تقویت همکاری‌های منطقه‌ای و شکل‌گیری یک «نظم چندقطبی» سخن گفته شود. در سوی دیگر، نشست گروه ۲۰ در آمریکا با اختلاف میان واشنگتن و برخی متحدان اروپایی‌اش همراه شد. اختلافاتی که حتی به حضور روسیه و نحوه برخورد با این کشور نیز کشیده شد. همچنین شکاف میان آمریکا و اروپا دیگر صرفاً به اختلافات اقتصادی و تجاری محدود نیست و جنگ آمریکا با ایران این فاصله را عیان‌تر کرد. کشورهای اروپایی نشان دادند که در قبال سیاست‌های واشنگتن در قبال ایران، دیگر مانند گذشته صرفاً مجری تصمیمات آمریکا نیستند و منافع و محاسبات مستقل خود را دنبال می‌کنند.

به بیان ساده‌تر، در یک سوی این دو تصویر، شرق در حال نمایش شبکه‌ای از شرکا و ظرفیت‌های جدید همکاری است و در سوی دیگر، آمریکا با متحدانی مواجه است که دیگر در بسیاری از پرونده‌ها حاضر نیستند بدون چون و چرا با واشنگتن همراه شوند. البته سازمان همکاری شانگهای را نباید یک پیمان نظامی یا ائتلاف یکپارچه ضدآمریکایی تصور کرد. اعضای این سازمان اختلافات و منافع متفاوتی دارند. هند و چین رقابت‌های خاص خود را دارند و دهلی‌نو حتی در همین اجلاس از مسکو خواست برای پایان جنگ اوکراین تلاش کند.

اما اهمیت شانگهای دقیقاً در همین نکته است. کشورها بدون آنکه الزاماً متحد نظامی یکدیگر باشند، در حال ایجاد سازوکارهایی برای کاهش وابستگی به ساختارهای تحت سلطه غرب هستند. عضویت ایران، روسیه، چین، هند، پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی در این چارچوب، نشانه‌ای از تغییر تدریجی مرکز ثقل تعاملات جهانی است.

روزنامه نیویورک تایمز نیز در گزارشی درباره هم‌زمانی این دو نشست تصریح کرده که این اجتماعات، رقابت بر سر این موضوع را نشان می‌دهد که چه کسی مرحله بعدی نظم جهانی را تعریف خواهد کرد. از نگاه این گزارش، چین می‌کوشد با تکیه بر حمایت «اکثریت جهانی» نقش مرکزی‌تری در نظام بین‌الملل پیدا کند، در حالی که سیاست‌های دولت ترامپ در حال ایجاد تنش با برخی شرکای سنتی واشنگتن است.

به همین دلیل، دواجلس اخیراً باید بیش از آنکه دو نشست جداگانه دانست، دو قاب از یک رقابت بزرگ‌تر دید. رقابت بر سر اینکه قرن جدید همچنان زیر سایه هژمونی آمریکا خواهد بود یا جهان به سمت نظمی خواهد رفت که در آن قدرت میان چند قطب توزیع شده است.

The Washington Post
Democracy Dies in Darkness

Army secretary submits resignation to Trump after repeated clashes with Hegseth

The departure of Dan Driscoll, who at one time was viewed as a potential replacement for the defense secretary, is the latest shake-up at the Pentagon amid the Iran war.

August 31, 2026 at 8:31 p.m. EDT
Today at 8:31 n.m. EDT

6 min

Make us preferred on Google



احسان میرباقری

روزنامه‌نگار

پایان کارشاگرد
ونس در
پنتاگون

اهمیت استعفای دریسکال زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم وی از چهره‌های نزدیک به جی‌دی ونس، معاون ترامپ، بود و مدتی حتی نام او به‌عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی برای جایگزینی خود هگست مطرح شده بود. یعنی فردی که زمانی می‌توانست جای وزیر جنگ را بگیرد، اکنون خود در نتیجه اختلاف با همان وزیر از پنتاگون خارج می‌شود.

یکی از روشن‌ترین نشانه‌های این آشفتگی در وضعیت ناو هواپیمابر «آبراهام لینکلن» بود. ناوی که ماه‌ها در منطقه غرب آسیا مستقر بوده و بیش از ۲۵۰ روز را به‌صورت پیوسته در دریا سپری کرد. خانواده‌های نظامیان مستقر در این ناو از کمبود مواد غذایی و اقلام بهداشتی، خرابی توالت‌ها، مشکلات آب و حتی وضعیت نامناسب حمام‌ها خبر دادند. این بحران البته محدود به لینکلن نماند.

ناوشکن «بن فولد» نیز در ماه ژوئیه چهار روز کامل با قطع برق مواجه شد و خدمه آن در این مدت به آب آشامیدنی، غذای مناسب، توالت فعال و سیستم تهویه دسترسی نداشتند. در نهایت این ناو سوبیک فیلیپین منتقل شود و خدمه نیز در خارج از کشتی اسکان داده شدند.

در نهایت برای کنترل این بحران رسانه‌ای و نظامی، برای لینکلن نیز پس از ماه‌ها مأموریت طاقت‌فرسا، برنامه بازگشت و توقف در تایلند برای استراحت و بازبانی خدمه اعلام شد. واشنگتن پست گزارش داده است که این تصمیم در شرایطی اتخاذ شد که نگرانی‌ها درباره فرسودگی روانی و کمبود تجهیزات و اقلام ضروری در کشتی افزایش یافته بود.

دومینوی پنتاگون به وزیر ارتش رسید

اما بحران در ساختار نظامی آمریکا فقط به وضعیت سربازان و ملوانان محدود نیست. تازه‌ترین ضربه به پنتاگون از داخل ساختمان فرماندهی وارد شده است. دن دریسکال، وزیر ارتش آمریکا، استعفای خود را به دونالد ترامپ داد.

واشنگتن پست گزارش داده است که دریسکال پس از ماه‌ها اختلاف با پیت هگست، وزیر جنگ، در آستانه خروج

آشفته‌گی در اتاق جنگ آمریکا

دومینوی برکناری‌ها
به وزیر ارتش رسید

نشانه‌های آشفتگی در ساختار سیاسی و نظامی واشنگتن یکی پس از دیگری آشکار می‌شود. از ناوهایی که با کمبود غذا، مشکلات بهداشتی، خرابی تجهیزات و فرسودگی روانی خدمه دست‌وپنجه نرم می‌کنند تا پرونده افسرانی که به سیاست‌های دولت ترامپ اعتراض کرده‌اند و اکنون با اتهامات نظامی روبه‌رو هستند. در همین شرایط، استعفای «دن دریسکال»، وزیر ارتش آمریکا پس از ماه‌ها اختلاف با پیت هگست، تازه‌ترین حلقه از زنجیره بحران در پنتاگون است. بحرانی که دامنه آن از فرماندهان ارشد تا بدنه نیروهای نظامی کشیده شده است.

بنابراین استعفای دریسکال را نمی‌توان یک حادثه منفرد دانست. این اتفاق در امتداد مجموعه‌ای از برکناری‌ها، استعفاها و جابه‌جایی‌های کم‌سابقه در بالاترین سطوح نیروهای مسلح آمریکا رخ داده است.

بحران فقط نظامی نیست

این آشفتگی البته به پنتاگون محدود نمانده است. کریستوفر فری، رئیس سابق اف‌بی‌آی، در پایان دوره اول ترامپ از سمت خود استعفا داد. استعفایی که در فضای فشار سیاسی دولت جدید بر اف‌بی‌آی رخ داد.

کریستی نوتم، وزیر امنیت داخلی، نیز توسط ترامپ کنار گذاشته شد و جای خود را به مارک وین مولین داد. برکناری او پس از مجموعه‌ای از جنجال‌ها درباره عملکرد وزارتخانه، عملیات مهاجرتی و نحوه مدیریت بحران‌های امنیتی رخ داد. پم پان‌دی، دادستان کل آمریکا، نیز در پی گزارش‌های ناراضی‌تری ترامپ از عملکرد او، سرعت رسیدگی به پرونده‌های مورد نظر رئیس‌جمهور و نحوه مدیریت اسناد پرونده جفری اپستین کنار گذاشته شد. حتی جو کنت، رئیس مرکز ملی مبارزه با تروریسم و از چهره‌های نزدیک به جریان اول آمریکا، به دلیل مخالفت با جنگ ایران استعفا داد و اعلام کرد نمی‌تواند از ادامه جنگ حمایت کند. این استعفا از آن جهت مهم بود که کنت از نیروهای نزدیک به دولت محسوب می‌شد و اختلاف او از درون همان جریان سیاسی برخاست.

وقتی اعتراض یک افسر هم تحمل نمی‌شود

در کنار این خروج‌ها، پرونده سرگرد جیسون واتسون نیز تصویری دیگر از وضعیت داخلی نیروهای مسلح آمریکا ارائه می‌دهد. واتسون، افسر نیروی هوایی، پس از انتقادهای شدید از ترامپ و حضور علنی در اعتراض مقابل ساختمان کنگره با یونیفرم نظامی، و خطاب کردن ترامپ با عباراتی همچون «حریص، ناآگاه، خودشیفته، دروغگوی بیمارگونه، خائن و بزدل» بازداشت شد.

این تصاویر، بیش از آنکه نشانه یک ارتش منسجم و آرام در بحبوحه جنگ باشد، تصویری از ساختاری است که همزمان با فشار عملیاتی در میدان، با بحران مدیریتی و اختلافات داخلی در واشنگتن دست‌وپنجه نرم می‌کند. بحرانی که حالا دیگر نمی‌توان آن را صرفاً یک اختلاف سیاسی در کاخ سفید دانست و نشانه‌های آن تا عرشه ناوها، اتاق فرماندهان و حتی میان افسران رده میانی ارتش آمریکا رسیده است.

از دولت قرار گرفته است. اختلاف این دو مقام برسر مسائل مختلفی از جمله برکناری فرماندهان ارشد ارتش، تغییرات ساختاری و میزان همراهی دریسکال با تصمیمات هگست تشدید شده بود.

اهمیت این استعفا زمانی بیشتر روشن می‌شود که بدانیم دریسکال از چهره‌های نزدیک به جی‌دی ونس، معاون ترامپ، بود و مدتی حتی نام او به‌عنوان یکی از گزینه‌های احتمالی برای جایگزینی خود هگست مطرح شده بود. یعنی فردی که زمانی می‌توانست جای وزیر جنگ را بگیرد، اکنون خود در نتیجه اختلاف با همان وزیر از پنتاگون خارج می‌شود. پیش از استعفای دریسکال، شان پارتل، سخنگوی ارشد هگست، نیز در محافل داخلی به‌عنوان گزینه احتمالی برای جانشینی او مطرح شده بود. در واقع، اختلاف میان وزیر جنگ و وزیر ارتش فقط یک اختلاف شخصی نبود، بلکه بخشی از کشمکش برسر آینده ساختار فرماندهی ارتش آمریکا بود.

فرماندهانی که یکی پس از دیگری
کنار رفتند

دریسکال نخستین مقام ارشد نظامی نیست که در دوره ترامپ و هگست کنار می‌رود. پیش از او، ژنرال رندی جورج، رئیس ستاد ارتش آمریکا، در اقدامی ناگهانی مجبور به کناره‌گیری شد. همزمان ژنرال دیوید هودنه و سرلشکر ویلیام گرین نیز از سمت‌های خود کنار گذاشته شدند. منابع آمریکایی تصریح کرده‌اند که برای این برکناری‌ها توضیح مشخصی ارائه نشد.

این روند از سال ۲۰۲۵ آغاز شده بود و در زمان جنگ با ایران قوت گرفت. زمانی که ترامپ و هگست، ژنرال چارلز براون، رئیس ستاد مشترک ارتش، دریا سالار لیزا فرانکتی، فرمانده نیروی دریایی، و ژنرال جیمز اسلایف، معاون رئیس ستاد نیروی هوایی، را کنار گذاشتند. همچنین دریا سالار لیندا اف‌اگان، فرمانده گارد ساحلی، و تعدادی از مقام‌های ارشد حقوقی نیروهای مسلح نیز از سمت‌های خود برکنار شدند.

در ادامه، ژنرال جفری کروز، رئیس آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا نیز از سمت خود برکنار شد. همچنین خروج جان فلان، وزیر نیروی دریایی، حلقه دیگری از این زنجیره بود.

یادداشت

واشنگتن، بازنده میدان و طراح فرسایش

حسین فیروزی
روزنامه‌نگار

واشنگتن تلاش می‌کند جنگ فرسایشی را به شکلی معکوس به زیان ایران مدیریت کند؛ نه لزوماً با پیروزی نظامی مستقیم، بلکه با محدود کردن گزینه‌های تهران از طریق امید بستن بخشی از مسئولان سیاسی به تفاهم و مذاکره. حاصل این وضعیت، تداوم تحریم، فشار اقتصادی، کاهش و کنترل قیمت نفت توسط آمریکا و فرسایش تدریجی توان داخلی است؛ الگویی که اگر مهار نشود، هدف نهایی آن می‌تواند نزدیک کردن ایران به فروپاشی از درون باشد.

آنچه در چندین مقطع پس از تفاهم رخ داده و به حملات مستقیم و جنایت‌بار آمریکا و شهادت شمار زیادی از ایرانیان انجامیده، باید در همین چارچوب دیده شود. مسئله کنونی شکل‌گیری الگویی است که در آن آمریکا هزینه‌های درگیری را تا حد ممکن کنترل می‌کند و همزمان می‌کوشد هزینه جنگ را به اقتصاد و جامعه ایران منتقل کند.

البته در میدان نظامی، معادله یک‌طرفه نبوده است. نیروهای مسلح ایران با توان و ابتکار عملیاتی خود ضربات قابل توجهی به پایگاه‌های آمریکا در منطقه وارد کرده‌اند؛ اما بخش مهمی از این ضربات متوجه عقبه، لجستیک و تأسیسات میزبان نیروهای آمریکایی بوده است. برای واشنگتن، در سایه حمایت مالی و سیاسی دولت‌های عرب منطقه، این خسارت‌ها الزاماً آن‌قدر دردناک نبوده که ماشین جنگی آمریکا را متوقف کند.

سال‌ها پیش شهید عماد مغنیه یک اصل روشن را به ایران و حزب‌الله‌آوری کرده بود: پاسخ خون، خون است، نه ساختمان. این گزاره ناظر به یک منطق ساده بازدارندگی است؛ دشمن باید بداند جنایت‌های او هزینه انسانی و راهبردی دارد. نیروهای مسلح ایران در میدان از هیچ تلاشی فروگذار نکرده‌اند، اما وقتی سیاست کلی کشور به هردلیل امکان تحمیل هزینه متناسب به طرف مقابل را محدود کند، دشمن جسورتر می‌شود. تکرار جنایت جنگی، این بار در یک عروسی در سیریک، نشانه همین خلأ است.

از سوی دیگر، نباید از آثار ضربات ایران غافل شد. مصرف شدن نزدیک به ۹۶ تا ۱۰۰ فروند PAC-۳ پاتریوت از ذخیره حدود ۷۹۰ فروندی، آن‌هم در یک موج حمله ایران به پایگاه‌های آمریکایی در اردن، نشانه فشار واقعی بر ذخایر پدافندی آمریکا است. اما اهمیت این بحران عمدتاً در جنگ‌های آینده، به‌ویژه در سناریوی رویارویی احتمالی آمریکا و چین، خود را نشان خواهد داد. ترامپ اما در جنگ ایران، زیر سایه حمایت کورکورانه از اسرائیل، عملاً حاضر نیست چنین ملاحظاتی را جدی بگیرد.

واقعیت این است که ایران با دکترین نامتقارن توانست در نبرد ۳۹ روزه و همچنین ۱۷ روز نبرد بر سر تنگه هرمز در تابستان ۱۴۰۵، ارتش آمریکا را زمین‌گیر کند. اما همین دستاورد زمانی تهدید می‌شود که در سطح سیاسی، دستگاه محاسباتی کشور تحت تأثیر وعده تفاهم قرار گیرد و میدان عمل نیروهای نظامی محدود شود. جنگ فرسایشی زمانی به سود دشمن برمی‌گردد که او نتواند در میدان پیروز شود، اما بتواند تصمیم‌گیرنده را وادار کند گزینه‌های خودش را محدود کند.

ادعای عجیب در میانه جنگ روایت‌ها

در شرایطی که چین در برابر فشارهای آمریکا علیه ایران مواضعی حمایتی اتخاذ کرده، از پیوستن به بیانیه ضدایرانی گروه ۲۰ درباره تنگه هرمز خودداری کرده و در شورای امنیت نیز در برابر تلاش‌ها برای فشار بیشتر بر تهران ایستاده است، طرح ادعاهای دروغ از سوی مرعشی درباره اینکه پکن رابطه با ایران را به حل اختلاف تهران و واشنگتن مشروط کرده، عملاً چیزی جز خوش خدمتی از سوی الیگارش‌ها برای آمریکا و مخدوش کردن منافع ملی نیست.

چین هراسی به نفع آمریکا

دنبال می‌کند؛ روایتی که این بار در حساس‌ترین شرایط منطقه‌ای، مدعی شده پکن برای گسترش روابط با تهران شرط گذاشته است؛ ادعایی که دفتر نماینده ویژه ایران در امور چین صراحتاً آن را فاقد صحت اعلام کرده است.

اظهارات اخیر حسین مرعشی درباره روابط ایران و چین، بیش از آنکه یک تحلیل مبتنی بر واقعیت‌های دیپلماتیک باشد، تکرار همان روایتی است که سال‌هاست جریان غرب‌گرا برای بی‌اعتبار کردن سیاست نگاه به شرق

محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

که حملات علیه ایران از خاک و آسمان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس انجام شده بود.

اینها البته به معنای همسانی کامل منافع ایران و چین نیست؛ اما میان «اختلاف منافع» و «شرط گذاشتن چین برای تسلیم ایران در برابر آمریکا» فاصله‌ای بسیار بزرگ وجود دارد.

دشمنی با شرق برای باز کردن در غرب

این اولین بار نیست که جریان کارگزاران و بخش‌هایی از طیف برجانی، مشکلات رابطه ایران با شرق را به رابطه با آمریکا گره می‌زنند. پیشتر نیز محمد جواد ظریف در پایان دولت روحانی، مانع عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای را مسئله FATF عنوان کرده بود؛ حال آنکه در ماه‌های ابتدایی دولت شهید رئیسی، بلوک شانگهای با درک تغییر رویکرد سیاست خارجی و فاصله گرفتن از نگاه یک‌جانبه به غرب، عضویت رسمی ایران را تایید کرد و سپس مسیر عضویت در بریکس نیز طی شد.

بخش مهمی از بن‌بست روابط ایران با قدرت‌های غیرغربی، نه ناشی از امتناع آنها از همکاری، بلکه ناشی از رویکردی بود که همه راه‌ها را به واشنگتن ختم می‌کرد. حتی ظریف در آخرین گزارش برجام به کمیسیون امنیت ملی مجلس، به‌صراحت از این گلایه کرده بود که «اگر در ایران درباره کار متوازن با شرق و غرب اجماع وجود داشت و کشور با خوش‌بینی به ورود شرکت‌های غربی، دوستان شرقی خود را دلسرد نمی‌کرد، آنها در دوران سختی سرخورده نمی‌شدند.»

چین حتی در فشار اقتصادی آمریکا کنار نکشد

با وجود انفعال عمدی دولت پزشک‌یان در توسعه روابط با چین که ناشی از حضور و نفوذ عناصر غرب‌گرا و برجانی در ساختار تصمیم‌گیری است، پکن در ماه‌های پس از جنگ با ادامه خرید نفت ایران و سپس پس از اعلام جنگ اقتصادی جدید آمریکا، موضع روشنی درباره عدم تبعیت از تحریم‌های یکجانبه واشنگتن اتخاذ کرد. منطق چین نیز روشن است. ایران در موقعیتی قرار گرفته که کربدورهای

حسین مرعشی، برادر زن مرحوم رفسنجانی، که از معروف‌ترین الیگارش‌های ایرانی و از چهره‌های شناخته‌شده حزب کارگزاران به شمار می‌آید، در اظهاراتی مدعی شده است: «چینی‌ها خیلی روشن به ما گفته‌اند که تنگه هرمز را باز می‌کنید، عوارض نمی‌گیرید، با عربستان سعودی و آمریکا مسائل خود را حل می‌کنید، بعد قالیباف به چین می‌آید.»

این ادعا در شرایطی مطرح شده که دفتر نماینده ویژه جمهوری اسلامی ایران در امور چین، در واکنش به انتشار مطالبی درباره مشروط شدن سفر نماینده ویژه ایران و توسعه روابط تهران و پکن، صریحاً اعلام کرده است که «انتساب چنین شروطی به طرف چینی و ادعای مشروط شدن سفرو توسعه روابط دو کشور به این موارد، فاقد صحت است.» این دفتر همچنین تأکید کرده «مخالفت قاطع و صریح چین با تحریم‌های یکجانبه آمریکا، نشانه رویکرد حمایتی پکن در قبال جمهوری اسلامی است و روابط دو کشور بر پایه احترام متقابل، منافع مشترک و مشارکت جامع راهبردی دنبال می‌شود.»

پکن چه گفته و مرعشی چه می‌گوید؟

اظهارات مرعشی زمانی عجیب‌تر می‌شود که رفتار واقعی چین در ماه‌های گذشته را کنار این ادعا قرار دهیم. اسکات بنست روز گذشته اذعان داشت که چین از پیوستن به بیانیه گروه ۲۰ درباره محکومیت کنترل قانونی ایران بر تنگه هرمز خودداری کرده است؛ بیانیه‌ای که خواستار کشتیرانی آزاد و ایمن در تنگه هرمز بود.

رفتار چین در شورای امنیت نیز قابل توجه است. طی ماه‌های سپری‌شده از آغاز جنگ تحمیلی سوم، پکن با وتوی قطعنامه‌های ضدایرانی و ایستادگی در برابر تلاش‌های بحرین و برخی کشورهای عربی برای فشار بیشتر علیه ایران در شورای امنیت، عملاً اجازه نداده است شورای امنیت به ابزار دیگری برای تشدید فشار بر تهران تبدیل شود؛ آن‌هم در شرایطی

بزرگ ارتباطی چین، از کمربند و جاده تاسیساتی مرتبط با شمال-جنوب، به ثبات و امنیت آن نیاز دارند. ضربه راهبردی آمریکا به ایران می‌تواند مستقیماً منافع ژئوپلیتیکی و اقتصادی چین را نیز تهدید کند. در چنین شرایطی، تصویرسازی از چین به عنوان کشوری که منتظر اجازه آمریکا برای رابطه با ایران است، نه با واقعیت‌های میدانی سازگار است و نه با منطق منافع پکن.

«بیهوده‌گویی» علیه منافع ملی

مجیدرضا حریری، عضو اتاق بازرگانی ایران و چین، نیز در واکنش به این مباحث در توثیقی نوشت: «روابط ایران و چین همیشه متعادل و رو به توسعه است و هیچگاه چین در امور داخلی و روابط ایران با دیگر کشورها دخالت ندارد. مباحث جناحی نباید منافع ملی را مخدوش کند و بیهوده‌گویی در این مورد باعث زیان ملی است.»

سیدامیر سیاح، فعال سیاسی و مشاور سابق قالیباف، نیز در توثیقی با لحنی تندتر نوشت: «از اینطرف با سمپاشی در روابط ایران-چین، به غرب علامت جان‌نثاری می‌دهند از آنطرف، هر سال صدها میلیون دلار خودروی چینی وارد و سرهم می‌کند و چند برابر قیمت به مردم می‌اندازد! برای این شارلاتان، چین کاسبی دوسر بُرد است.»

الیگارشی سیاسی

و هزینه‌ای که ملت می‌پردازد

در روسیه، یکی از درس‌های مهم سال‌های جنگ اوکراین، برخورد سخت‌تر پوتین و مدیران اقتصادی روسیه با الیگارش‌ها و شبکه‌های مالی و بانکی آنان بود؛ روندی که در تقویت اعتبار روبل و افزایش تاب‌آوری اقتصادی روسیه مؤثر علی‌رغم جنگی طولانی و بزرگ تأثیرگذار بود.

ایران نیز نیازمند مقابله جدی با هر شبکه‌ای است که منافع جناحی را بر منافع ملی مقدم می‌کند. ثروت عظیم‌باند مشهور به باند کرمانی‌ها در اقتصاد ایران همواره مورد سوال جدی و ابهام ملت ایران قرار داشته است؛ وقت آن است قوه قضائیه با ورود به پرونده این دروغ‌سازی علیه منافع ملی پیوست اقتصادی این جریان را هم بررسی و بازخواست کند.

دست جایزه‌بگیران به خون شهدا آلوده است

محمد قربانی
 روزنامه‌نگار

وقتی یک هواپیمای جنگی آمریکایی به یک مجلس عروسی در ایران حمله می‌کند و مهمانان بی‌گناه را به خاک و خون می‌کشد، ما باید یک «جنایت جنگی عریان» روبه‌رو هستیم؛ واقعیتی تلخ، خشن و بدون روتوش. اما مسئله زمانی خطرناک‌تر می‌شود که برخی هنرمندان ایرانی، همین فاجعه را به یک کالای شیک و تزئینی تبدیل می‌کنند تا در جشنواره‌های غربی جایزه بگیرند. سالهاست که فیلمسازان زیرزمینی و دیگر به اصطلاح هنرمندان ایرانی با تبدیل درد و رنج مردم به کالای لوکس، گدایی جایزه و نگاه می‌کنند. بگذارید به یک نمونه تازه اشاره کنم. اخیراً مجموعه‌عکسی به نام «آغوش دردناک» برنده جایزه عکاسی IPA شده‌است. عکاس این اثر ادعای روایت جنگ را دارد، اما به جای نشان دادن خشم، بی‌عدالتی و فریاد قربانیان، صحنه‌هایی چیدمان‌شده با نورپردازی‌های اغراق‌آمیز و ژست‌های ساختگی ساخته‌است. جنگ یعنی فروپاشی نظم و درد واقعی؛ اما وقتی عکاس آن را در قالب عکاسی چیدمانی و صحنه‌پردازی‌شده درمی‌آورد، رنج مردم را به «سانتیمانتالیسم» و احساسات‌گرایی توخالی تقلیل می‌دهد. این کار نوعی کپی‌برداری از آثار عکاسانی است که هنرشان صرفاً صادرات رنج مردم خاورمیانه برای خوشایند چشمان غربی است.

پیامد اصلی چنین هنری فراتر از نقد فرمی است: وقتی هنرمند ایرانی جنایت دشمن را سانتیمانتال و تلطیف می‌کند، در واقع به آمریکا مجوز اخلاقی می‌دهد تا دوباره دست به چنین اقداماتی بزند. وقتی خون کودکان و مهمانان یک عروسی، به جای سندی بر توحش متجاوز، تبدیل به عکس‌های رمانتیک و ملودرام شود، مخاطب غربی دیگر همی فاجعه و خوی تجاوزگری دولت خود را نمی‌بیند؛ بلکه فقط یک سوژه زیبا و غم‌انگیز برای تماشا پیدا می‌کند. به این ترتیب، بار حقوقی و انسانی جنایت پاک می‌شود. آمریکا زمانی که می‌بیند خون‌ریزی و تجاوزش در داخل کشور قربانی نه با خشم و مقاومت هنری، بلکه با تصاویری شیک و پذیرفتنی بسته‌بندی می‌شود، برای تکرار حملات بعدی احساس امنیت و مصونیت می‌کند. ذهن استعمارزده، فاجعه‌ملی را به یک ویتزین صادراتی تبدیل می‌کند تا برای چند روز در جشنواره‌های خارجی احساس دیده شدن و تحسین داشته باشد. جشنواره‌هایی که هنر جهان‌سومی را فقط برای تظهِیر و جـدان غـربی‌ها می‌خواهند. وقت آن است که هنرمند ایرانی به‌همد لطیف‌سازی جنایت، خودش بخشی از پازل متجاوز است و با تلطیف رنج قربانیان، راه را برای جنایات بعدی باز می‌کند.

دولت چهاردهم برای رونق بخشیدن به سینما از دولت سیزدهم تبعیت کرد

با آن همه ادعا کپی‌کار از آب درآمدند

در حال ترویج آثاری هستند که هیچ نسبتی با ذائقه عمومی ندارند. آمارها ثابت می‌کند که بی‌برنامگی دولت چهاردهم باعث فرار مخاطب شده و تمرکز بر پروژه‌های حاشیه‌ای تنها به نابودی اقتصاد سالم سینما منجر شده‌است. در مقابل دولت شهید رئیسی با درک درست از نیاز جامعه بستر سرگرمی سالم را به‌طور کامل برای مردم فراهم کرد تا همه به سالن‌ها بازگردند و کاملاً از این امکان و ظرفیت لذت ببرند.



مسعود حنیفی
 روزنامه‌نگار

دولت چهاردهم در ابتدای کار با این ادعا روی کار آمد که با بها دادن به ژانرهای متفاوت و فیلم‌های هنری می‌تواند گیشه را نجات دهد اما واقعیت میدانی نشان داد که این رویکرد با استقبال مخاطب مواجه نشد و در عمل شکست خورد در نتیجه مدیران فعلی سینما چاره‌ای جز کپی کردن از روی دولت شهید رئیسی و تمرکز بر سینمای کم‌دی نیافتند این تقلید کورکورانه در حالی رخ داد که زیرساخت‌های لازم در دولت قبل فراهم شده بود. برای درک بهتر این موضوع باید به آمار فروش فیلم‌های کم‌دی در دو دوره مراجعه کنیم در دوره سه ساله دولت سیزدهم مجموع فروش فیلم‌های کم‌دی به رقم یک هزار و دویست میلیارد تومان رسید.

در این دوره میانگین قیمت بلیت هفتاد هزار تومان بود اما در دولت چهاردهم که تاکنون یک سال و نیم از آن می‌گذرد مجموع فروش فیلم‌های کم‌دی به نهصد میلیارد تومان رسیده‌است اگرچه این رقم روی کاغذ قابل توجه به نظر می‌رسد، اما با احتساب درصد تورم و افزایش میانگین قیمت بلیت به صد و هشتاد هزار تومان در دولت فعلی فروش واقعی و تعدیل‌شده فیلم‌های کم‌دی در دولت چهاردهم معادل سیصد و پنجاه میلیارد تومان در مقیاس دولت سیزدهم است؛ این یعنی فروش واقعی کم‌دی‌ها در دولت فعلی هفتاد درصد افت داشته و این زنگ خطری جدی برای اقتصاد سینما به حساب می‌آید.

نکته مهم دیگر را باید ثبت رکوردشکنی تاریخی در دوره کوتاه دولت سیزدهم دانست. در این ایام، پرمخاطب‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران یعنی فسیل با جذب دقیق هفت میلیون و چهارصد و هشتاد و هفت هزار و سیصد و پنجاه و دو بیننده

یادداشت

اخلاق انتخابی، بندگی آراسته

سعید مصباح
 روزنامه‌نگار

وقتی روسیه به اوکراین حمله کرد، بخشی از سلبریتی‌های ایرانی ناگهان به بلندگوهای اخلاق و انسانیت تبدیل شدند. همزمان با رسانه‌های جریان اصلی غرب، پوتین را محکوم کردند، برای مردم اوکراین اشک ریختند و از حق حاکمیت کشورها، صلح و حقوق بشر گفتند. فضای مجازی پر شد از پرچم اوکراین و جملات آتشین علیه تجاوز؛ گویی یک اصل روشن وجود دارد: حمله یک کشور به کشور دیگر، تحت هر شرایطی محکوم است.

اما حالا که جنگ به ایران رسیده، همان حساسیت اخلاقی برای بخشی از این چهره‌ها به شکل عجیبی فروکش کرده‌است. آمریکا و اسرائیل به ایران حمله کرده‌اند، غیرنظامیان شهید شده‌اند و زندگی میلیون‌ها نفر تحت تأثیر جنگ قرار گرفته؛ با این حال، بسیاری از همان صداهایی که برای اوکراین گوش فلک را کر می‌کردند، این بار ترجیح داده‌اند سکوت کنند. البته نمی‌توان همه سلبریتی‌های ایرانی را در یک صف قرار داد. کسانی هم بوده‌اند که حمله به ایران را محکوم کرده‌اند. بحث بر سر آن‌هایی است که ظاهراً اصل ثابتی برای اخلاق ندارند و محکومیت یا سکوت‌شان، با نام مهاجم تغییر می‌کند.

اینجاست که مسئله از یک استاندارد دوگانه ساده فراتر می‌رود و به چیزی شبیه خودتحقیری می‌رسد؛ ذهنیتی که در آن، قربانی وقتی اروپایی یا غربی باشد، شایسته همدردی و دفاع است، اما وقتی ایرانی باشد، ماجرا ناگهان پیچیده، قابل تفسیر و حتی قابل چشم‌پوشی می‌شود. این نگاه، ریشه در همان خصلت قدیمی ارباب و بندگی دارد؛ اینکه قدرت بزرگ را معیار تشخیص حق و باطل بدانیم و برای رفتار او، حتی در برابر تجاوز و جنگ، استتیا و توجیه بتراشیم. انگار بعضی‌ها هنوز جهان را نه براساس اصول، بلکه براساس اینکه چه کسی این کار را کرده، قضاوت می‌کنند.

اگر محکوم کردن حمله روسیه به اوکراین درست بود؛ اما اگر همان معیار درباره حمله به ایران به کار نرود، مسئله دیگر دفاع از صلح و حقوق بشر نیست. اینجا اخلاق تبدیل به ابزار سیاسی شده است.

اگر کشته شدن یک کودک اوکراینی فاجعه است، کشته شدن یک کودک ایرانی هم فاجعه است. اگر موشک روسی جنایت است، موشک آمریکایی هم نمی‌تواند با تغییر پرچم، ماهیت اخلاقی دیگری پیدا کند.

اخلاق واقعی آنجایی آغاز می‌شود که جرئت کنیم حتی علیه ارباب محبوب خودمان هم همان چیزی را بگوییم که علیه دشمنش می‌گفتیم. وگرنه آنچه روشنفکری می‌نامیم، چیزی جز بندگی با لباس مدرن نیست.

داشته‌اند، اما از سوی وزارت فرهنگ تاکنون متن اجرایی مکتوبی ارائه نشده‌است. به نظر ما، در حال حاضر در این حوزه از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ترک فعل اتفاق افتاده است و سازمان بازرسی نیز به این موضوع ورود کرده و تذکر داده است. این دیدگاه که تولیدکننده و تنظیم‌گر حتماً باید از یکدیگر جدا باشند، قابل قبول نیست؛ چراکه خود وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در بخش‌هایی هم‌زمان نقش تولیدکننده و تنظیم‌گر را دارد.

اگر قرار باشد تولید و تنظیم‌گری از یکدیگر جدا شوند، باید بودجه تولیدی وزارت فرهنگ نیز از آن گرفته شود. تنظیم‌گری را نمی‌توان صرفاً به بخش خصوصی واگذار کرد و این موضوع باید در چارچوب حاکمیت و اسناد بالادستی انجام شود. سند سیاست‌ها، ضوابط و الزامات حوزه صوت و تصویر فراگیر در شورای معین به پایان رسیده و منتظر ابلاغ رئیس‌جمهور است و تأخیر در ابلاغ آن به فضای مجازی، کسب‌وکارها و حقوق مردم آسیب می‌زند.



جواد رمضان‌نژاد، رئیس ساترا در مصاحبه وزیر ارشاد با فرهیختگان گفت: مرزهای میان ساترا و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در اسناد بالادستی و قوانین مشخص شده و نباید نظرات شخصی جایگزین این اسناد شود. طبق ماده واحده ۸۸۳، ساترا متن پیشنهادهای خود را برای دستورالعمل‌های اجرایی مرتبط با حوزه صوت و تصویر د این مصوبه ارائه کرده و نمایندگان وزارت فرهنگ نیز در جلسات مربوطه حضور